



## فیش منبر

# امام کاظم علیہ السلام

گناہان جدید بلاہای جدید

آیت اللہ مظاہری



کانال فیش منبر و مرثیه درایتا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبہ یار = <http://www.talabeyar.ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»

یک روایتی آقا امام کاظم علیه السلام در کتاب شریف تحف العقول دارند که می فرمایند:

**كَلَّمَا أَحَدَتْ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ.** (جامع الاحادیث نور / تحف العقول، النص، ص: ۴۱۰) (۱)

هر گاه مردم گناهان تازه‌ای که نمی‌کردند انجام دهند، خداوند بلاهایی تازه به آنها دهد که به حساب نمی‌آوردند. روایت دو معنا دارد؛ یک معنای ظاهری و یک معنای دقی، فلسفی و عرفانی.

معنای ظاهری روایت، که به تجربه نیز اثبات شده، همان است که بیان شد؛ گناهان تازه تازه، بلاهای تازه تازه، به همراه دارد. مثلاً رباخواری یک گناه قدیمی است، تازه نیست، قرآن می فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» [۲]؛ اما استفاده از حیلۀ شرعی در رباخواری، گناهی تازه است که بلای جدید در پی دارد. قبلاً رشوه خواری بوده است، اموال اهل رشوه هم بی برکت بوده است، ولی دریافت رشوه با کلاه شرعی و به عنوان حق و حساب، گناه جدیدی است که به آن اضافه شده است. اعمال منافی عفت، زنا و فحشاء در بین امت های گذشته سابقه دارد، بلای مربوط به آن نیز طبق روایات، شیوع مرگ های ناگهانی یا «موت فجأه» است. [۳] اما گناه تازه ای که در زمان حاضر در جامعه رخنه کرده، رفیق بازی و ارتباط و دوستی با نامحرم است. عشق های کاذب و خانمان سوز بین دخترها و پسرها و زنها و مردها، بلاهای جدید و بی سابقه در پی دارد.



از این دست مثال‌ها برای گناهان تازه و بلاهای ناشی از آن، فراوان است. اما قطع نظر از معنای ظاهری که نباید دست از آن برداریم، این روایت یک معنای باطنی هم دارد که همان قانون تجسم عمل است. از قرآن استفاده می‌شود که اعمال ما هر چه باشد، گفتار ما کردار ما، حتی افکار ما، نابود نمی‌شود، به حسب ظاهر ممکن است نابود شود، اما آن اعمال و افکار، تجسم دارد و نوعی صورت متناسب برای آن پدید می‌آید. تنها در یک صورت عمل نابود می‌شود و آن هم وقتی است که انسان از گناه خویش توبه کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» [۴].

بعضی از بزرگان معتقدند که اعمال انسان، با توبه هم نابود نمی‌شود، بلکه لعان اتفاق می‌افتد، یعنی بین انسان و اعمالش فاصله می‌افتد. آنها می‌گویند: وقتی کسی مرتکب گناه شود، تجسم عمل او پیدا می‌شود و نابود شدنی نیست، اما اگر توبه کند، گناهِش آمرزیده می‌شود و تجسم آن اعمال بایگانی

می‌شود و دیگر به او ضرر نمی‌زند و در برزخ و قیامت، آن اعمال را ندیده و رسوا نخواهد شد.



استاد بزرگوار ما حضرت امام «قدّس سرّه» می‌فرمودند: این خلاف ظاهر آیه است. آیه شریفه می‌فرماید: «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»، یعنی پرونده سیاه و پر از گناه نابود می‌شود و پرونده درخشانی که صفحه اولش ثواب توبه است، برای او مفتوح می‌گردد. [۵]

آنچه تردیدی در آن راه ندارد و همه بزرگان بدان معتقدند، این است که هر عملی، تجسمی دارد و در خصوص گناهان تا وقتی انسان توبه نکرده، تجسم عملش باقی است. بزرگانی نظیر صدر المتألهین «رحمت‌الله‌علیه» بحث‌های مفصّلی راجع به تجسم عمل دارند، آیات و روایات نیز در این زمینه فراوان است.

از مجموع آیات، روایات و اقوال بزرگان چنین استفاده می‌شود که اعمال انسان، صورت‌بندی می‌شود. مثلاً غیبت، چون که نیش است، به صورت مار و عقرب در می‌آید.

این سخن‌های چو مار و کژدمت

مار و کژدم می‌شود گیرد دمت

مار و عقرب حاصل از غیبت و گناهان نظیر آن، در همین دنیا هست، ولی چون صورت برزخی دارد، پس از مرگ قابل مشاهده است. اعمال افراد حقه باز و متظاهر، به صورت روباه در می‌آید. خود انسان هم اگر دچار تکرار گناه شود، هویتش تغییر یافته، به صورت سگ یا گرگ یا میمون در می‌آید. کسانی که چشم بصیرت دارند، در همین دنیا صورت حیوانی افراد را می‌بینند. قرآن کریم می‌فرماید:



«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» [۶]

دنیا و آخرت، یک سکه دو رو است؛ اینجا ظاهرش است و باطنش در قیامت عیان می گردد. هرچه اینجا هست و هر عملی اینجا انجام شد، آنجا حاضر است.

قرآن در ادامه آیه می فرماید: «وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» [۷]؛ ای انسان! خدا رأفت دارد، خدا مهربان است که زنگ خطر می زند و می گوید: هرچه در این دنیا انجام دادی، در قیامت حاضر شده است؛ اگر خوب است، خوب و اگر بد است، همان بد برای او حاضر می شود. به اندازه ای رسوا می شود که می گوید: خدایا! ای کاش بین من و این اعمال، خیلی فاصله بود. ای کاش! اعمالم را نمی دیدم و مردم هم نمی دیدند.

گاهی «تجسم عمل» با «تناسخ» اشتباه گرفته می شود. «تناسخ» شبهه غلط و نامربوطی است که بر اساس آن می گویند: روح



انسان، بعد از مرگ وارد بدن دیگری می‌شود؛ اگر آدم خوبی باشد در بدن انسان صالح و خوبی می‌رود و چنانچه بد باشد، داخل بدن یک انسان بد خواهد شد. تناسخ به این معنا غلط است. به قول صدر المتألهین: بر گشت فعل به قوه محال است. اما نوعی تناسخ داریم که مورد امضای قرآن است. آن تناسخ چیست؟ آن است که انسان به جای اینکه کامل بشود و در قیامت بگوید: «هاؤمُ اَقْرَؤُا کتَابِیْهِ» [۸]، اعمال بد او بر هویتش اثر می‌گذارد و هویت انسانی وی را به هویت حیوانی مبدل می‌سازد. [۹]

از دیدگاه قرآن و روایات، سه گونه «تجسّم عمل» داریم. یک «تجسّم عمل» در دنیا و یک «تجسّم عمل» در آخرت و نوع سوّم آن، هم در دنیا و هم در آخرت است.

نوع اوّل تجسّم عمل که مربوط به دنیا است، آن است که تمام اعمال آدمی - خوب یا بد - در زندگی دنیایی او تأثیر دارد. کارهای نیک او موجب پیدایش حیات طیّب و زندگی سالم و

با ارزش می شود و کارهای بد و ناشایست هر شخصی، زندگی ناسالم و بی ارزش برایش خواهد ساخت: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۱۰].

نوع دوم «تجسم عمل» مربوط به آخرت است؛ به این معنی که اعمال هر انسانی، دارای یک صورت ملکوتی است و همه جا او را همراهی می کند. اعمال خوب به صورت مونس خوب و اعمال بد به شکل همراه بد، ظاهر و مجسم خواهد شد. قرآن کریم می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» [۱۱]؛ نمی فرماید که جزایش را می بیند، بلکه خود عمل را می بیند. یعنی در برزخ، شب اول قبر و در قیامت، عمل خویش را می بیند. از قرآن فهمیده می شود بهشت الان موجود است: «أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» [۱۲]؛ اما نعمت های بهشتی را خود بندگان با اعمال صالح به بهشت می فرستند. قرآن می فرماید که به اهل بهشت خطاب می شود: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا

هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ» [۱۳]؛ بخورید و بیاشامید،  
نوش جانتان، اینها را خودتان فرستاده‌اید.

آتش جهنّمش هم همین است، خدا جهنّم دارد، الان مخلوق  
است، اما تبعات جهنّم و عذاب‌های آن، مال خدا نیست،  
مربوط به اعمال بندگان است. از این رو به آنها خطاب  
می‌شود: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أُيْدِيكُمْ» [۱۴]. در آیه دیگر  
می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا  
وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» [۱۵]؛ خودت این آتش را فراهم  
کرده‌ای! آتش درون تو جهنّم می‌شود. این آتش در دنیا در  
درون انسان است و کار نمی‌کند، ولی در قیامت کارساز  
می‌شود.

تجسّم عمل یک نیروی کنترل‌کننده برای انسان است و اگر  
کسی بی تفاوت نباشد، توجه داشته باشد که اعمالش چه  
تجسّمی دارد، حتماً متنّبّه می‌شود. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا  
علی آقا شیرازی «رحمت‌الله‌علیه» یکی از علمای بزرگ



مناسبتی

اصفهان و مورد تأیید و احترام همهٔ علما و مراجع تقلید بود. خصوصاً استاد بزرگوار ما آیت الله بروجردی «رحمت الله علیه» احترام ویژه‌ای برای او قائل بودند. ایشان از نظر تقوا زبانزد خاص و عام بود. شهید مطهری «رحمت الله علیه» که مدتی در درس آقای شیرازی حاضر می‌شد، از قول ایشان چنین نقل می‌کند: شبی خواب دیدم که از دنیا رفته‌ام و مرا تشییع جنازه کردند و در قبر گذاشتند و پس از خاکسپاری همه رفتند. من در قبر تنها بودم که ناگهان دیدم یک سگ سفید به درون قبر آمد. دریافتم که این سگ، تندخویی من است و به این صورت تجسم یافته است. همان موقع، امام حسین «سلام الله علیه» تشریف آوردند و فرمودند: مضطرب نباش، من آن را از تو جدا می‌کنم.

حاج میرزا علی آقا شیرازی قدری در درس یا غیر آن عصبانی می‌شده است. البته ایشان در اثر تقوای شدیدی که داشت، از اهانت و تحقیر و این قبیل گناهان به دور بود، اما همین مقدار عصبانیت به صورت یک سگ مجسم شده است.

از آنجا که آن عالم ربانی، بسیار اهل توسل به اهل بیت «سلام الله علیهم» بود، امام حسین «سلام الله علیه» به دادش رسیده بودند.

«تجسم عمل» شکل سوّمی نیز دارد که مربوط به هویت انسان می شود. به گونه ای که اعمال نیک و بد هر انسانی، هویت او را می سازد و در دنیا و آخرت، یک شخصیت نیکو و شایسته یا یک شخصیت حیوانی و پست، برای او پدید می آورد. قرآن کریم می فرماید: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا، اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» [۱۶]

در آیاتی از قرآن کریم نظیر «قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» [۱۷] یا «لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ» [۱۸]، آدمیان به حیوانات تشبیه شده اند. خواند متعال قصد اهانت به بندگان خویش را ندارد، بلکه برخی از آنها خودشان هویت انسانی را

مبدل به هویت حیوانی کرده‌اند و این آیات، به بیان واقعیت وجود آنان می‌پردازد.



ابا بصیر می‌گوید به امام باقر «سلام‌الله‌علیه» گفتم: چقدر امسال حاجی به حج آمده است! فرمودند: «مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجِ» [۱۹]؛ سر و صدا خیلی است، اما حاجی کم است. می‌گوید: نفهمیدم منظور امام باقر «سلام‌الله‌علیه» چیست؟ ایشان فرمودند: از درز انگشت‌هایم نگاه کن. نگاه کردم دیدم که تعداد زیادی حیوان در حال طوافند و در بین آنها تعداد بسیار کمی انسان هم هستند.

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار

زین چهار چو بگذری نهنگ آید و مار

مباحث مربوط به تجسم عمل، مفصل است، اما بحث کنونی ما، راجع به تجسم عمل در دنیا است که به آن «مکافات عمل» [۲۰] نیز گفته می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ ضَرَبَ

اللَّهُ مَثَلًا قَرِيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» [۲۱]؛ به پیامبر گرامی «صلی الله علیه و آله و سلم» خطاب می‌کند که برای آنها بگو: جامعه‌ای در رفاه بود، علاوه بر این، افراد آن جامعه از زندگی منهای غم، غصه، دلهره، اضطراب خاطر و نگرانی برخوردار بودند، اما آنها کفران نعمت کردند، یعنی مرتکب گناه شدند. گناه آنان موجب شد نعمت‌ها به نقت و بدبختی مبدل گردد. امنیت آن جامعه، به ناامنی و شادی افراد آن به غم و غصه مبدل شد. برکت از بینشان رفت و دچار کمبود و نارسایی و گرانی و قحطی (و بیماری‌های گوناگون) شدند.

قرآن کریم در آیات دیگری، مکافات عمل را با عباراتی نظیر: «بما كانوا يصنعون» و «بما كانوا يكسبون» و «جزاء بما كانوا يعملون» به بندگان گوشزد می‌کند. [۲۲] به قول شاعر:



از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو



این شعر عوامانه، یک حقیقت مسلم و قطعی در قرآن شریف است. چنان که در آیه دیگری می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [۲۳]؛ ایمان، تقوا و عمل صالح، برکات آسمان‌ها و زمین را به سوی انسان سرازیر می‌کند و اگر غیر آن باشد، کیفر و مکافات دارد که البته خود انسان پدید آورده است.

بنابراین هر عمل خیر و صالح انسان، نتیجه خیر برای او دارد و هر عمل ناشایست، در همین دنیا مجازات و کیفر خواهد داشت تا به کیفر آخرت برسد. حتی اعمال مخفیانه و پنهانی انسان، بازتاب آشکار و علنی خواهد داشت. امام صادق «سلام الله علیه» می‌فرمایند: امکان ندارد بنده‌ای در نهان کار خیری به جا آورد و با گذشت روزگار خداوند برایش

خیری ظاهر نسازد؛ نیز ممکن نیست کسی مخفیانه مرتکب عمل شرّی شود و خدای تعالی، با گذشت زمان، شرّی برایش آشکار نکند: «مَا مِنْ عَبْدٍ أَسْرَ خَيْرًا فَذَهَبَتِ الْأَيَّامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا فَذَهَبَتِ الْأَيَّامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا» [۲۴]

از این گذشته، قرآن می‌فرماید: اعمال خوب تو موجب عاقبت به‌خیری برای فرزندان تو و تأمین آتیه برای آنهاست؛ چنان‌که اعمال بد تو، برای آنان خسران و ذلت به همراه خواهد داشت: «وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» [۲۵].

در این خصوص برخی اشکال وارد می‌کنند که گناهکار مرتکب گناه شده، چرا فرزندانش باید مکافات عمل او را ببینند؟ پاسخ این است که این مکافات از طرف خدا نیست، بلکه نتیجه عمل آن شخص است و دامن فرزندان را می‌گیرد. نظیر وقتی که یک نادان آتشی در یک اتاق روشن



می‌کند و هر که در آن اتاق است را می‌سوزاند، حتی طفل بی‌گناه درون گهواره خواهد سوخت. خدا که آنها را نسوزانده، بلکه آن شخص نادان آتش را برافروخته است. گناه گناهکار نیز همین حالت را دارد و مثل آتش، دامن همه را می‌گیرد؛ اما پروردگار عالم از سر لطف و رحمت خود، به افراد بدون تقصیر و به فرزندان شخص گناهکار پاداش می‌دهد و برای آنها جبران می‌کند.

راجع به بلاهای اجتماعی نیز شبیه این اشکال را وارد می‌کنند. می‌گویند: عده‌ای در اجتماع مرتکب گناه می‌شوند، چرا بلا و مصیبت برای همه می‌آید؟ جوابش را امام باقر «سلام‌الله‌علیه» داده‌اند. ایشان می‌فرمایند: به شعیب نبی «سلام‌الله‌علیه» خطاب شد: صد هزار نفر از قوم تو دچار عذاب می‌شوند؛ چهل هزار نفر آنها افراد شرور و گناهکار و شصت هزار نفر، خوبان امت هستند. گفت: خدایا بدها به آتش گناهشان می‌سوزند. خوب‌ها چرا عذاب می‌شوند؟ خطاب شد: برای اینکه بدها

گناه می کردند و خوبها بی تفاوت بودند و امر به معروف و نهی از منکر نکردند. [۲۶]

بنابراین همه باید توجه داشته باشند که مکافات عمل، تقصیر خداوند نیست و آن ذات بی همتا برای کسی بد نخواسته و نمی خواهد، بلکه گناهان فردی و اجتماعی، خودبخود موجب مکافات عمل می شود. به خصوص طبق فرمایش امام کاظم و در برخی منابع امام رضا «سلام الله علیهما» گناهان تازه تازه، بلاهای تازه تازه نیز به دنبال دارد.

قرآن کریم بسیاری از بلاها و مصیبت ها را تقصیر خود انسان، یا جامعه می داند: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» [۲۷]؛ پروردگار متعال، از سر مرحمت به بندگان، بیشتر گناهان آنان را ندیده می گیرد، و گرنه مکافات عملشان بیش از این بود.



در آیه دیگری می فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا» [۲۸]؛ بیشتر

اوقات، مصیبت‌هایی مانند سیل، زلزله، خشکسالی و قطع نزولات آسمانی، شیوع بیماری‌های ناعلاج (مثل همین ویروس همه گیر کرونا)، مکافات اعمال بندگان است که باید در این دنیا بچشند. البته بیان شد که گاهی افراد بدون تقصیر نیز دچار مصیبت می‌شوند و در واقع، به گناه دیگران می‌سوزند و خداوند متعال برای آنها جبران می‌فرماید.

ظلم، حق‌الناس، تبعیض، حقه‌بازی، غضب، دروغ، نیرنگ، بی‌عفتی، بی‌غیرتی، بی‌حجابی، احتکار، تورم، گران‌فروشی، کم‌فروشی، یا غیبت، تهمت، اهانت و گناهانی از این قبیل، در دنیا مکافات دارد و بیشتر بلاها، ناشی از شیوع این گناهان است.

امام سجّاد «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید: ظلم در قضاوت، شهادت دروغ، کتمان حق، خودداری از ادای زکات، کوتاهی در قرض



مناسبتی

دادن، یاری نکردن محرومان و سنگدلی نسبت به فقرا و نیازمندان و نیز ظلم به یتیمان و نیازمندان و رد کردن سائلان و محرومان، گناہانی هستند که باران نافع آسمان را حبس می‌کنند: «الذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ وَ مَنَعُ الزَّكَاةِ وَ الْقَرَضِ وَ الْمَاعُونِ وَ قَسَاوَةُ الْقُلُوبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ ظُلْمُ الْيَتِيمِ وَ الْأَرْمَلَةِ وَ انْتِهَارُ السَّائِلِ وَ رَدُّهُ بِاللَّيْلِ» [۲۹]. (۳۰)

[۱]. این روایت از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده کافی، ج ۲، ص ۲۷۵.

[۲]. بقره، ۲۷۶: «خدا از [برکت] ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید.»

[۳]. کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

[۴]. فرقان، ۷۰: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند.»

[۵]. ر.ک: سیروسلوک؛ منزل دوم: توبه.

[۶]. آل عمران، ۳۰: «روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد؛ و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود.»

[۷]. آل عمران، ۳۰: «و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [در عین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است.»

[۸]. حاقه، ۱۹: «بیایید و کتابم را بخوانید.»

[۹]. ر.ک: الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۹، ص ۲ تا ۶ و ۱۳ تا ۲۲.

[۱۰]. نحل، ۹۷: «هرکس از مرد یا زن، عمل نیک انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد، پس او را بی‌تردید (در دنیا) به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت و (در آخرت) پاداششان را در برابر عمل‌های بسیار خوبشان خواهیم داد.»

[۱۱]. زلزله، ۷: «پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.»

[۱۲]. آل عمران، ۱۳۳: «[و] برای پرهیزگاران آماده شده است.»

[۱۳]. حاقه، ۲۴: «بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید.»



[۱۴]. آل عمران، ۸۲: «این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست.»

[۱۵]. تحریم، ۶: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید.»

[۱۶]. اسراء، ۱۴-۱۳: «و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم، و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم. نامه‌ات را بخوان؛ کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.»

[۱۷]. مؤمنون، ۱۰۸: «[بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید.»

[۱۸]. هود، ۱۰۶: «و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند.»

[۱۹]. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۸۴.

[۲۰]. ر.ک: معرفت نفس، ج ۶، ص ۳۱ تا ۴۸.

[۲۱]. نحل، ۱۱۲: «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.»

[۲۲]. مائده، ۱۴ و ۶۳؛ نحل، ۱۱۲؛ انعام، ۱۲۹؛ واقعه، ۲۴ و ...



مناسبتی

[۲۳]. اعراف، ۹۶: «اگر اهل شهرها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

[۲۴]. الکافی، ج ۲، ص ۲۹۴.

[۲۵]. نساء، ۹: «و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [بجا و] درست گویند.»

[۲۶]. الکافی، ج ۵، ص ۵۶.

[۲۷]. شوری، ۳۰: «و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماس، و [خدا] از بسیاری درمی گذرد.»

[۲۸]. روم، ۴۱: «به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند.»

[۲۹]. معانی الأخبار، ص ۲۷۱.

(۳۰) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مظاهری